

نامه های

وزیر مختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

« ۷ »

از

سر لشکر محمود - کی

پژوهشگاه علوم انسانی و
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عریضجات مورخه ۳ ربیع الثانی ۱۲۹۷ نمره ۱۵۲ مشتمل بر دو طغرا

قربان حضور مبارکت شوم تلگرام رمزی که در اول ماه مارس ارسال فرموده بودند در پنجم همین ماه شرف وصول بخشید، اما در يك حالتی که خواندن آن غیر ممکن بود، چون در تلگرافخانه اینجا نخواستند آنرا بمقابله نمایند بهمین جهت در ششم مارس تجدید آنرا مستدعی شده و در آن ضمن از وصول پاکت عرایضی که در سیزدهم صفر معروض و بتوسط پست بحضور مبارک انفاذ داشته بودم سئوالی نمودم. بدبختانه جواب نرسید و در آن ضمن بهزار زحمت و مشقت تلگرام مزبور را بطوری بازکردم که مطلب آن مفهوم و معلوم شد که از هدیانات روزنامه لثان که در نمره ۶۸۴ بذات مقدس همایونی روحانفاده نسبت داده بودخیلی مکدر شده اند و از مضامین کدورت آمیز آن یقین کردم که پاکت عرایض فدوی نرسیده است و الا هرگاه رسیده بود باین شدت ملامت نمی فرمودند و در حقیقت من خودم را مستوجب این ملامت ها و مذمت ها نمی دانم و با اعتقاد خودم و بقول کل عالم در نویساندن آن فصل ثانی در نمره ۶۸۴ معجزه ای کرده ام که در قوه احدی نبوده است. باوصف این احوال بعد از وصول عرایض فدوی، باز هم ذکری از آن فصل نمی فرمایند سهل است که اصلاح این فقره را بتوسط سفارت فرانسه بوزارت امور خارجه اینجار جوع فرموده اند. وزارت اینجا چه کرد؟ از قراریکه جناب مسیو فرسنه اظهار داشت معلوم شد که همین قدر تأسفات خود را با تلگراف اظهار کرده و نوشته بودند که این چیزها برخلاف رأی دولت فرانسه و

خارج از اختیار اوست والا دولت فرانسه هرگز باین چیزها راضی نبوده است و این را نیز اطلاع داده بودند که رئیس روزنامه لئان برای ترضیه يك فصل دیگر در روزنامه خود در تعریف بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی نوشته و انتشار داده است. حالا باید معلوم کرد که آن فصل را که نویسانیده است؟ معلوم است این فصل همان فصلی است که فدوی نویسانده است. اما چه فایده اجرا ضایع و آنهائیکه هیچ کار نکرده بودند، مورد تحسین شدند. خلاصه فدوی همه وقت تکالیف خود را بعمل آورده و خواهد آورد اما روزنامه نویسهای فرانسه چنانکه معلوم خاطر حضرت اشرف بندگانعالی است آزاداند و هرگاه با آنها بيك نحو خوب رفتار نشود، اعتنا باحدی ندارند و هرچه دلشان بخواهد می نویسند و از هیچ کس پروا ندارند. دول فرنگستان در هر سال مبالغ خطیری برای روزنامه نویسها مایه میگذارند و بآنها نشان میدهند که از شر قلم آنها محفوظ بمانند. ما مایه نمی خواهیم بگذاریم و نشان هم نمی خواهیم بدهیم و از طرف دیگر هم توقع نداریم و نمی خواهیم از ما بد بگویند و بد بنویسند. بخدا قسم است آن منم که بيك قسمی روزنامه نویسها را بوعده ها و نویدها آرام نگه داشته ام والا بلاها برس ما می آورند که برسر هیچ کافر نیاورند. برای خدا فدوی را در نزد آنها دروغ گو بقلم ندهید و راضی نشوید که برای ده قطعه فرمان دچار اینهمه صدمات بشویم. تکلیف فدوی همین است که مراتب را بعرض برساند دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است.

* * *

آن تلگرام دیگر که در پنجم مارس و در باب ادای وجه قیمت موزیک مرقوم شده بود، در ششم همین ماه مارس عزو صول ارزانی داشت. بمحض وصول صاحب کارخانه موزیک سازی را خواسته و این خبر را با و اطلاع داده و با و سفارش کردم که موزیک ها را حاضر نگهدارند که

بمحض وصول تنخواه تحویل دهد. گفت موزیک حاضر است و بمجرد وصول وجوهات تحویل خواهد داد. این بیست و نه هزار و یکصد و نود فرانکی که ارسال فرموده اند از بابت قیمت موزیک است. باید بقدر یک هزار و پانصد فرانک هم از بابت باربندی و کرایه از اینجا الی پوتی مرحمت شود، تا اینکه در حمل و نقل اسباب موزیک تعطیل و تاخیری واقع نشود. استدعا دارم که این وجه را نیز مقرر خواهند فرمود که بزودی برسد و رفع معطلی بشود.

عریضجات مورخه ۲۰ شهریور بیع الثانی ۱۲۹۷ نمره ۱۵۳ مشتمل بر پنج خط

قربان حضور مبارکت شوم تعلیقه رفیعه مورخه ۲۱ شهر شوال المکرم که در باب وصول وجه برات هفتصد و پنجاه امپریال طلب عالیجناب حاجی علی نقی تاجر کاشانی از حاجی محمد باقر خراسانی بعهدہ این فدوی شرف صدور یافته بود، در هفتم شهر حال که روز عید سعید سلطانی بود، بتوسط خود آقامهدی عز و وصول بخشید. بمحض وصول تعلیقه مزبور بحاج مومی الیه که در ماریسی است و بعاملی امورات عالیجناب حاجی محمد حسن تاجر اصفهانی اشتغال دارد، کاغذ نوشته بمقام مطالبه وجه برات مزبور برآمده، تاکیدات لازمه را در وصول طلب مزبور بعمل آوردم. در وهله اول چنانکه از نوشتجات مومی الیه که لفاً میفرستم معلوم میشود خوب بکنار آمد، ولی حالا هذیان میگوید و بعضی بهانه ها پیش می آورد که طلب حاجی علینقی بعهدہ تعویق خواهد افتاد. هرگاه مومی الیه در سر کارهای حاجی محمد حسن نبود اموال او را می دادم بتوسط دیوانخانه ضبط بکنند، ولی نمی شود بواسطه او خانه تجارتی حاجی محمد حسن را بست. در این صورت لازم می آید که حاجی محمد حسن یا طلب حاجی علی نقی را قبول و کارسازی نماید و یا

اینکه باتلگراف اورا يك ماهه مرخص نموده که آمده در پاریس فیروزه‌ها را باطلاع آقا محمد مهدی برادرزاده حاجی علینقی فروخته، وجه برات هفتصد و پنجاه امپریال را با منافع کار سازی نماید، والا از قراریکه مشاهده میشود حاجی محمدباقر آدم چاچول و سرهم بند بنظر می‌آید و باین حالتی که دارد هرگز بصرافت ادای طلب مردم نبوده و نخواهد بود. استدعا دارم جواب این عریضه را باتلگراف اعلام فرمایند که تکلیف فدوی معلوم بشود و همچنین قدغن فرمایند این کاغذهای حاجی محمدباقر را که لفاً میفرستم و در دست ما سند است دوباره بیاریس پس بفرستند که در وقت لزوم بکار خواهد آمد.

کتابخانه و اسناد

مسیو الیون شفاها اظهار داشت که کمپانی سویل یعنی غیررسمی منعقد شده و عنقریب مهندسین و محاسب بایران خواهد فرستاد، که رفته با اولیای دولت علیه قرار و مدارى که در باب قیمت راه و سایر فقرات آن لازم است، معین نماید و بعد از آنکه این قرار و مدار گذاشته و دفتر تکالیف از طرفین قبول و محضری شد، آنوقت کمپانی رسمی و شرعی تشکیل شده تا اینکه تکالیف معینه را مجری بدارد و بساختن رشته راه آهن اقدام کند. چون مسیو الیون این مطلب را اظهار کرد بنا بر خواهش او عرض شد، اما از حرف و حالت او مأیوس شده‌ام و یقین نموده‌ام که او مرد این کار نبوده و نمی‌تواند از عهده این امر عظیم برآید. گذشته، گذشته است. حالا تا آخر باید منتظر بود. بعد از اینکه شر او از گردن ما رفع شد، آنوقت در صورتیکه اولیای دولت علیه از صرافت ساختن راه آهن نیفتاده باشند، باید رشته عمل را با مسیو پولیاکوف بست. این شخص به مسیو الیون نسبت ندارد. راه‌های زیادی در روسیه ساخته است و

اعتبار زیاد دارد و بمحض اقدام راه آهن رادر ایران خواهد ساخت، اما میگویند راه آهن بی بانك دولتی غیرمقدور است. اول باید بانك را بنا کرد و بعد از آن بساختن راه آهن اقدام نمود. راست هم میگویند، اعتبار دولت بسته به بانك است، هرگاه بانك نباشد، اعتباری باقی نمی ماند. مسیو پولیاکوف از حالا قرارداد احداث بانك دولتی را نوشته و نزد فدوی آورده است. خیلی مفصل است و چون نمیدانم تبلیغ آن مقبول خواهد افتاد یا خیر، بدین واسطه جسارت بفرستادن آن نمی نمایم و منتظر اجازه خواهم بود که از آن قرار رفتار نمایم.

* * *

مسیو ژول دوویل قونسول دولت علیه ایران مقیم ماریس وقت کرد و حالا عالیجاه مسیو شارل آنتوان ریشار را که در تفلیس خانه و با ایران مرادۀ تجارتی دارد، بجای او منصوب نمودم. مسیو ریشار آدم خیلی خوب و متدین است، البته باید معرف حضور شده باشد. مقرب الخاقان میرزا محمود خان سفارش مشارالیه را از تفلیس نوشته بود و از بسکه از معقولیت و حسن رفتار او تعریف کرده بود که در نصب او بهیچوجه تردیدی باقی نمی ماند. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد.

* * *

تعلیقۀ رفیعۀ مورخه ۱۵ شهر ربیع الاول که در باب مرخصی موقتی مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمدخان شرف صدور یافته بود، عزو صول ارزانی داشت. چنانکه اشاره شده بود راست است که مشارالیه از مدت های مدید از خانه و عیال خود دور افتاده است ولی باقتضای مأموریت بوده است و الاشب و روز در فکر و خیال بازماندگان بوده و هست. اما از آنجاکه در مدت این ده سال بدرجه ای با او انس بهم رسانیده ام که نمی توانم خودم را باینطورها بمفارقت او راضی

نمایم، گذشته از اینکه خیلی مؤدب و معقول و محبوب است، جمیع صفات انسانیت را نیز دارد و در کمال ادب و نجابت راه میرود و فدوی از طرز سلوک و رفتار او نهایت رضامندی را داشته و دارم. در اینصورت عزیمت او را اگرچه موقتی هم باشد، تصدیق نمی‌کنم و استدعا دارم که جناب آقای صدیق‌الملک را از این صرافت بیندازند و فدوی را باین واسطه از خود ممنون و متشکر فرمایند و الا هرگاه غیر از این بشود، یقین خواهم کرد که جناب معزی الیه فدوی را از سلك اولاد خود خارج کرده مثل سابق التفاتی بفدوی ندارند.

* * *

هرگاه تفصیلاتی که در این روزنامه های ملفوفی مندرج است، بدقت ملاحظه شود، معلوم خاطر عالی خواهد شد که سلاطین فرنگستان نیز از شر قلم روزنامه نویسان محفوظ نیستند. ایلچی اسپانیه که خواسته بود روزنامه لوتر را تعاقب نماید همان ترضیه داده شده است که بما داده شد. اما حرکت ایلچی مزبور از جانب دولت متبوعه خود باعث تحسین و تمجید شد و من بیچاره بدون تقصیر و گناه هدف تیر ملامت شده بعد از آن مذمت ها و پس از آنکه معلوم شد که تکلیف خود را بموقع عمل آورده‌ام دلجوئی هم نشد. دیگر در این باب هرچه عرض کنم عین جسارت خواهد بود.

۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۷

عریضجات مورخه ۱۶ شهر جمادی الاول ۱۲۹۷ نمره ۱۵۴ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا هر سال دو مهمانی سنگین در این سنارت داده میشود. اما امسال چون دیدم سفرای چین و ژاپون مهمانیهای سنگین میدهند، لهذا علی‌الرغم آنها فدوی هم پنج مهمانی بزرگ داده و

جميع مأمورین خارجه ووزرای داخله وامنائی دولت فرانسه راباین
 سفارت دعوت کردم. هر مهمانی به یکصد و هفتاد تومان برای فدوی
 تمام شد. باین معنی که مخارج این پنج مهمانی به هشتهمزار فرانک
 رسید. اگرچه بواسطه بی التفاتیهای دولت علیه وبواسطه این
 زیاده روی هائی که میکنم بنخاک سیاه نشستهام ولی از آنجائیکه
 اسم دولت ایران در پیش اسم دولت چین وژاپون خوار نماند محض
 غیرت وحفظ شأن دولت وملت ایران این ضررها را بخودم میزنم
 تا مردم نگویند مأمور ایران از مأمورین آن دو دولت پست تر است،
 اما مخفی نماندکه سفرای چین وژاپون بعلاوه کرایه منزل و
 کالسکه هر یک از آنها دوازده هزار تومان ازدولت متبوعه خود اخذ
 میکنند واز مقرری این سفارت بعد ازوضع عشر و تفاوت پول
 بیشتر از چهار هزار و هشتصد تومان عاید فدوی نمی شود. آیابا
 باوصف این تفاوتی که در میان مقرری آن دوسفارت واین سفارت
 هست میشود باچنین همسرها هم چشمی نمود؟ بلی خدا شاهد است
 که مهمانیهای این سفارت کمتر از مهمانیهای سفارت چین وژاپون
 نبود، بلکه غذاهای ما هزار مرتبه از غذاهای آنها بهتر و لذیذتر
 بود. چه فایده این گونه حرکات فدوی منظور نظر نیست! خلاصه
 این همه ضررها محض نیک نامی دولت بخودم میزنم و عوض هم
 نمی خواهم ولی انصاف نیست که مقرری سنواتی ومخارج روم و
 ولادی قفقاز و وین تابحال مرحمت نشده باشد. اگرچه این مطالبات
 باید مجبوراً يك روز مرحمت شود اما چه عیب دارد حالا عنایت
 شود وباین واسطه فدوی از زیر قرض ومنت مردم واز این ذلت
 خلاص یابد. حساب هارا مکرر فرستاده ام در وزارت جلیله ودر نزد
 مقرب الحضرت العلیه باباخان باید موجود باشد. استدعا دارم قرار
 وصول وایصال آن مطالبات راکه بیشتر از سه هزار تومان است
 بطوری بدهند که زودتر باینجا برسد ویقۀ فدوی ازدست طلبکاران

خلاص بشود. بعضی تفصیلهای درباب مهمانیهای این سفارت در روزنامهها نوشته شده بود. همه را قیچی کرده و لفاً انفاذ حضور مبارك مینمایم. تفصیل غذاها را نیز چنانکه در سفره باید موجود باشد درجوف همین پاکت میفرستم يك مهمانی دیگر هم در هفته آینده داده خواهد شد. تفصیل آنرا نیز با چاپار آینده میفرستم.

* * *

از وقتی که مقرب الخاقان میرزا کریمخان سرتیپ پیاریس آمده و حسبالحکم بسمت بستگی سفارت مأموریت بهم رسانیده، بسیار خوب و در نهایت معقولیت و درستکاری حرکت کرده و میکند و استمراراً مشغول تحصیل بوده است و مبالغ کلی تا حال بجهت معالجه مخارج کرده است. چون این خانه را که حال نشسته است در وقت اگسپوزیسیون گرفته و کرایه گزارف دارد و از آنطرف چون مبالغی درباب اجاره و تنخواه دستی که از صاحب خانه بمرور گرفته است، تازمان رد تنخواه صاحب خانه، ممنوع از حرکت آن خانه به خانه دیگر است و تاکنون چند بار صاحب خانه او نزد فدوی آمده او را بوعده رسیدن تنخواه ساکت نموده ام و چندی قبل نیز در فقرات معروضه شرحی عرض کرده بودم و استدعای مرحمتی در حق او نموده بودم. اینک مجدداً لازم نمودم که مستدعی گردم تا نظر توجیهی بعریضه فدوی فرموده و قراری بهر قسم میدانید در حق مشارالیه مبذول دارند که به آسودگی بدعاگوئی در اینجا مشغول باشد. از قراریکه مذکور داشته باوجود مخارج عیال طهران و مخارج اینجا، سه سال است جیره و مواجب های حواله مازندران او نیز وصول نشده است و این ایام براو کار بسیار سخت و صعب شده است. مستدعی آنکه اولاً حکمی فرمایند که حکام و پیشکاران مازندران مواجب های مازندران او را برسانند که در اینجا باو برسد که شاید

بتواند از این خانه بخانه دیگر برود و ثانیاً بهر قسم که برای مبارک مقتضی شود یک نوع التفاتی درباره او بفرماید که آسوده خاطر باشد.

عریضجات مورخه ۷ جمادی الاخری ۱۲۹۷ نمره ۱۵۵ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا تعلیقۀ رفیعۀ که بتاریخ ۲۹ شهر ربیع الاول به سرافرازی این فدوی شرف صدور یافته بود، در چهارم جمادی الاخری بتوسط وزارت امور خارجه فرانسه عزووصول ارزانی داشت و از دیر رسیدن آن نهایت تعجب حاصل شد. اما بمجرد وصول آن چنانکه اشاره شده بود در باب قروض مقرب الخاقان میرزا سلیمان خان اطلاعات لازمه حاصل گردید و از قراریکه کاشف بعمل آمد، معلوم شد که در وهله اول مسیو دلو رشته عمل خود را بتوسط وزارت امور خارجه روس بسفارت آن دولت رجوع کرده و بعد از آنکه مایوس شده بود، اسناد طلب خود را به وزارت خارجه فرانسه تسلیم نموده، مستدعی شده بود که وجه طلب خود را از دولت علیه وصول نمایند. هرگاه این فقره را از جناب مسیو زنیف استفسار فرمایند بر صدق این قول تصدیق خواهند نمود. فدوی مسیو دلو را تبعه روس میدانست و بهمین جهت بود که عمل خود را بدولت روس رجوع کرده بود، اما حالا در وزارت امور خارجه اینجا اقرار کرده است که رعیت فرانسه است. از قراریکه رسیدگی شد، اصل طلب او موافق اسنادی که از مقرب الخاقان میرزا سلیمان خان دارد. معادل چهارده هزار و سیصد و بیست و پنج فرانک و نود سانتیم است. هرگاه مرابحه هم حساب بشود، باید حالا طلب او بالمضاعف دو مقابل شده باشد. علاوه بر طلب مسیو دلو، میرزا سلیمان خان دو قرض بزرگ دیگر دارد، یکی بمسیو بریون کالسگچی و دیگری بساوالان خان. طلب مسیو بریون اصلاً معادل هفت هزار و چهارصد و پنجاه و دو

فرانك است و طلب ساوالان خان از قراریکه مذکور میدارد سی و شش هزار فرانك است. مسیو بریون عمل خود را بوزارت خارجه رجوع کرده و صورت حساب او در طهران است، اما ساوالان خان از قراریکه میگویند نمیخواهد باین راهها طلب خود را اخذ کند، منتظر است میرزا سلیمان خان بصرافت طبع خود طلب او را بپردازد، چون در دفتر سفارت در باب قروض میرزا سلیمانخان کتابی و حسابی نیست، لهذا مقدر نیست که پیش از این اطلاع حاصل شود، اما همینقدر افواها شنیده‌ام که بعضی خورده قرض دیگر دارد که هنوز داده نشده است.

در ضمن تعلیقه اشاره فرموده‌اند که در سفر اول فرنگستان، در حین توقف موکب همایونی در پاریس، معادل شش هزار تومان از بابت قروض میرزا سلیمانخان داده شده. اگرچه این فقره درست در خاطر من نمانده است، اما همینقدر یادم هست که در آن سفر يك فقره پول داده شد، آنهم بمسیو براوه بود و بکس دیگر از بابت قرض میرزا سلیمانخان پول داده نشده است و چون مسیو براوه از میرزا سلیمانخان بقدر دو سه هزار تومان بموجب سند طلب داشت، لهذا طلب او از این بابت و از بابت مطالباتی و محاسباتی که بتوسط مسیو بالمیه گماشته خود در طهران از خود دولت داشت پرداخت شد. یقین دارم بجز آن طلب مسیو براوه، تنخواه دیگر از بابت قروض میرزا سلیمانخان در آنوقت در پاریس داده نشده است. اینجور تنخواه و طلب بتوسط حاجی مجید خان داده میشد و اسناد اخذی از مسیو براوه باید در جزو محاسبات او باشد. هرگاه رجوع فرمایند اصل حقیقت این مطلب بدست خواهد آمد.

* * *

در این روزها در باب قحطی که در ایران هست در روزنامه‌های

اینجا بنا با خبری که از جانب کشیشمهای فرنگی وینگه دنیائی مقیم ارومی میرسد، تفصیلهائی مینویسند تا اینکه مردم اینجا را در حق فقرای ایران بترحم بیاورند و از قراریکه شنیده‌ام بنا به اقدامات کشیشمهای مزبور در بعضی جاهای اینجا پول جمع کرده و از برای فقرای آذربایجان میفرستند. در این بین که خیالها همه مصروف بود باین عمل خیر، یکنفر روزنامه نویس که باید اصلا و نسلا حرام زاده باشد در این عمل خیر نسبت بذات همایونی مضمون بخاطرش رسیده سؤال میکند که آیا پادشاه ایران هم که در افتتاح يك شهری که یاغی شده بود پنج من چشم داده بود کننده و بمجلس خود آورده بودند، برای فقرای ایران خیر میدهند یا نه. از ملاحظه روزنامه مزبور اوقاتم خیلی تلخ شد و فی الفور روزنامه مزبور را برداشته بنظر جناب وزیر امور خارجه رسانیدم. بعد از خواندن گفت باین نامربوطها نباید اعتنا کرد. از این چیزها خیلی مینویسند و همه روز از من و از رئیس جمهوری و سایر اولیای دولت فرانسه بد مینویسند. روزنامه نویسان آزادند و از عهده آنها نمی‌توان برآمد، مگر به بذل مرحمت از جانب دولت علیه ایران. بعد از آنکه دیدم از وزارت خارجه برای اصلاح آن فصل چاره مترتب نیست، دونفر از روزنامه نویسهای سوارو کولو را باین سفارتخانه احضار کرده و آنها را بازداشتتم که در رد آن فصل جواب بنویسند. دو فصل خوب نوشته‌اند و اینک روزنامه های آنها را با آن روزنامه بد نویس هر سه تارا لفاً انفاذ حضور مبارک مینمایم تا معلوم خاطر عالی بشود که بوجه احسن رفع اشتباه شده است. این دفعه هم لله الحمد این کار بخوبی گذشت، اما باید چاره آینده را نمود و دم این روزنامه نویسها را از پیش بست و الا باز مضمونها پیدا خواهند کرد و بدخواهند نوشت. از برای این دونفر روزنامه-

نویسهای سواروکولو نشان وعده کردهام و از برای دیگران نیز امیدواری دادهام که از جانب دولت علیه التفات درحق آنهاخواهد شد. از حضرت اشرف ارفع بندگان عالی استعدادا دارم فدوی را در پیش حضرات دروغگو بقلم ندهند و الا هرگاه خدانخواستہ نشان برای این روزنامه نویسان نرسد، کارها بالکلیه خراب میشود و بطوری بد خواهند نوشت که از عهدۀ قلم آنها نمی توان برآمد. برای خاطر خدا در این بابها خودداری نفرمایند. فرامینی که سابقاً استعدادا نمودهام با ده فرمان سفید مهر برای روزنامه نویسان مرحمت فرمایند تا اینکه بآنها تقسیم شود و از شر قلم وزیران آنها آسودگی حاصل شود و الا در صورتیکه در فرستادن فرامین آنها تعطیل شود، میترسم روزنامه نویسهای که با ما دوست هستند، آنها هم از ما برنجدند و بد بنویسند و آنوقت دیگر چاره روزنامه نویسها را نمیتوان کرد.

کتابخانه مدینه اشرفیه

عریضجات مورخه ۲۲ شهر رجب المرجب ۱۲۹۷ نمره ۱۵۶ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا در این دوسه ماه گذشته مزاجم ناساز بود وبهمان جهت در دویم ماه ژون بتجوین حکیم سفارت به آب کنترکسویل رفته بیست و پنج روز در آنجا مانده، مشغول معالجه و صرف آب بودم و لله الحمد افاقه شد. قبل از حرکت از پاریس از وزارت امور خارجه اطلاع دادند که جناب مسیو تریکو حسب الاشاره حضرت اشرف ارفع بندگانعالی دو نشان لژیون دونور خواسته، یکی از درجه سیم برای نواب وجیه الله میرزا و دیگری از درجه چهارم برای نواب عزیزالله میرزا. شما چه مصلحت میدانیدگفتم نشان وجیه الله میرزا میبایستی دو سال قبل براین داده شود و نشان عزیزالله میرزا چون بنا باظهار حضرت اشرف است خیلی مناسب و بجا است و

هیچ نباید مضایقه شود . حرف فدوی را تصدیق نموده گفتند انشاءالله داده خواهد شد . چند روز بعد از آن مسیو مولارخبر داده که نشانها مرحمت شد و جناب وزیر امور خارجه در این باب بطوری مردانگی کردند که استحقاق آنها بهم رسانیده اند که از جانب سنی الجواتب اعلیحضرت اقدس شهریاری نشان برای ایشان و دونفر دیگر مرحمت شود ، خوب است شما چیزی در این باب بنویسید و از برای ایشان و مسیو آبل رئیس دفتر و مسیو دلاروش ورنه نایب رئیس دفتر نشان بخواهید ، گفتم چشم این استدعا را خواهم کرد و یقین دارم با جابت خواهد رسید . بدبختانه يك دو روز بعد از آن گفتگو عازم کنترکسویل شدم و در مدت معالجه فرصت تحریر نداشتم . حالا چهار پنج روز است از کنترکسویل مراجعت کرده ام استدعا میکنم که نشان جناب وزیر امور خارجه با نشان آن دونفر صاحب منصب وزرات امور خارجه را و همچنین نشان هائی را که سابقاً برای رئیس و دونفر صاحب منصب های دربار علیاحضرت ملکه اسپانیه و روزنامه نویسان و سفیر و صاحب منصب سفارت یونان و غیره موافق سیاهه که لفاً فرستاده میشود مرحمت فرموده زودتر بفرستند که بیش از این در پیش حضرات خجل و شرمنده نمانم .

کتابخانه مدرسه فیه علم

پریروز بسفارت یونان رفته بودم . تفصیل نشان لژیون دونور را که برای نواب وجیه الله میرزا مرحمت شده است ، برای شارژدافر آن دولت نقل کرده و گفتم حالا که از دولت فرانسه نشان نواب معزی الیه مرحمت شد خوب است که شما نیز فرمان نشان سوور را بدهید . شارژدافر گفت آن نشانی که برای سفیر و نایب دویم سفارت ما وعده کرده بودید ، رسیده است . گفتم نرسیده است ، ولی میرسد و از برای اطمینان شما دوکاغذ رسمی می نویسم و

میدهم . گفت کاغذ من هم از همان وقت حاضر است ، منمهم آن کاغذ رسمی را که حاضر دارم میدهم و همینکه فرمان رسید، فرمان نواب وجیه‌الله میرزا را تسلیم میکنم . تکلیف او را قبول کرده کاغذ دادم و کاغذ گرفتم و اینک کاغذ او را که اعلام رسمی است لفاً میفرستم نشان را هم دادم بسازند و باولین وسیله میفرستم و استدعا دارم فرمان وزیر مختار یونان و نایب دوم سفارت یونان را مرحمت فرموده بزودی بفرستند، تا اینکه از این عمل فارغ شده مجدداً دچار ملامت نشوم .

۲۲ شهر رجب ۱۲۹۷

عریضجات مورخه ۲۶ شهر رجب المرجب ۱۲۹۷ نمره ۱۵۷ مشتمل بر چهار ظفرا

خداوندگارا تعلیقه‌جات رأفت آیات مورخه ۲۶ جمادی‌الاولی و ۳ جمادی‌الآخری بانضمام جواب نامه جناب رئیس جمهوری دولت فرانسه و جواب حضرت پاپ و همچنین جواب نامه پرنس شارل موناکو شرف وصول بخشید و مایه افتخار و سرافرازی گردید . حسب‌الاشاره بمحض وصول هر سه را بقاعده معموله و وسیله مقتضیه ابلاغ نمودم . رئیس جمهوری و جناب ایلچی حضرت پاپ از مضامین ملاطفت آئین نامه مبارکه محظوظ گردیدند و مخصوصاً اظهار تشکر نمودند و جناب مسیوکروی جویای سلامت و جود مبارک بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی روحانفاده شده مخصوصاً عرض بندگی و ارادت میرساند . آدم خیلی رئوف و مهربان و فطرتاً نجیب و صاحب اوصاف حمیده و خیرخواه دولت علیه ایران است و از ملاقات فدوی زیاد از حد اظهار دلخوشی نموده با کمال مهربانی و رأفت فدوی را پذیرفته و در وقت دخول و خروج

تا دم در باستقبال آمده فدوی را مشایعت نمودند . ایلچی پاپ نیز که آدم خیلی زرنگ و پولتیک دان و فصیح هستند نهایت مهربانی رانموده و از این مأموریت کمال افتخار را حاصل نمودند . وزیر مختار موناکو در پاریس نبود به بیلاق رفته بود . جواب نامه حضرت پرنس شارل را با ترجمه فرستاده و تحریراً خواهش نمودم که باولین وسیله بحضور حضرت پرنس برسانند و از قراریکه جواب نوشته شده بمحض وصول رسانیده شده است .

* * *

مسیو داود و مسیو نارژودتوس هر دو معقول و معتبرند . بعد از آنکه شنیده اند که از مسیو الیون کار ساخته نخواهد شد، یک پروژه راه آهن نوشته با نقشه آن باین سفارتخانه آورده و باصرار تمام خواهش نمودند که بعرض اولیای دولت علیه برسانم . چون دیدم خیلی اصرار دارند و از آن طرف دیگر در پاریس صاحب اسم و رسم اند و اعتبار زیاد دارند و از آنجائیکه بموجب قرارنامه تعهد کرده اند که بمحض امضا و رسیدن قرارنامه مزبور بپاریس، برای اطمینان ما یک میلیون فرانک در یک صرافخانه بصیغه ضمانت رهن خواهند گذاشت و هرگاه از عهده تعهدات خود برنیایند ، وجه مزبوره بتحت تصرف دولت علیه درخواهد آمد و مال دولت خواهد شد، بنا به آن ملاحظات تکلیف آنها را قبول نموده و قرارنامه را که طرح کرده بودند با نقشه راه آهن اینک لفاً انفاذ میدارم و مستدعی ام جواب رد و یا قبول آنها را با تلگراف اعلام فرمایند، تا اینکه حضرات منتظر نمانند . مسیو پولیاکوف نیز یک پروژه دائر باحداث بانک نوشته و باین سفارتخانه آورده بود . پروژه او را باهمین وسیله در جزو پاکت عرایض امروز انفاذ میدارم و استدعا دارم جواب او را هرچه باشد بموجب تلگراف اعلام فرمایند که تکلیف او نیز معین شود . این دو فقره هر دو اهمیت دارد و برای

ایران متضمن منافع زیاد و بی اندازه است و هرگاه قبول شود باعث آبادی و قدرت و مکتد دولت و ملت ایران خواهد شد .

* * *

در باب مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا احمدخان که بموجب تعلیقه مورخه ۳ شهر جمادی الاخری بمضامین مرحمت آئین استدعای فدوی راقبول فرموده و از احضار مشارالیه صرف نظر نموده و اجازه عنایت فرموده بودند که در اینجا بماند، از این معنی نهایت امتنان و تشکر حاصل شد . اگرچه از این بابت نهایت مسرت و خوشحالی حاصل شده است ولی از آنجائیکه در این مدت مأموریت هیچگونه التفات در حق مقرب الحضرت الخاقانیه مشارالیه نشده است نهایت یأس حاصل است و چون هر وقت از اوقاتیکه در حق مشارالیه استدعائی نموده ام جواب سخت شنیده ام، حالا دیگر جسارت نمیکنم مخصوصاً برای او ترقی منصب یا اضافه مواجب مستدعی شوم ، اما همینقدر عرض میکنم که هرگاه بسرالتفات آمده باشند و مرحمتی در حق او مبذول فرمایند باعث سرافرازی فدوی خواهد شد، دیگر اختیار با حضرت اشرف ارفع بندگانعالی است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسیو مارتینو دوسه هفته است وارد پاریس شده و از قراریکه معلوم شد، چهار طغرا فرمان نشان شیر و خورشید همراه خود آورده است . یکی برای خودش از درجه سیم و سه فرمان دیگر از درجه چهارم برای مسیو هرز و برادر مسیو هرز و مسیو واترس صراف انگلیس . مسیو مارتینو فرامین را خودش آورده و بدون اطلاع فدوی آنها را بصاحبانش تبلیغ نموده بود . هر کس که این تفصیل رامیشنید، تعجب می کرد و احدی باور نمی کند اعتبار مسیو مارتینو از اعتبار

يك وزير مختار ايران در نزد اولیای دولت علیه بیشتر است. بعضی از روزنامه نویسیها و برخی از دوستان که این فقره را شنیده بودند، از فدوی نهایت رنجش را بهم رسانیده و مستعد شده بودند که بهر وسیله که بدست آنها بیاید صدمه ام بزنند. علی الحساب به تملق و خصوصیت همه را ساکت نموده و وعده ها داده ام که نشانه های استدعائی خواهد رسید و علی العجاله ساکت شده اند. هرگاه تا دوسه ماه دیگر نرسد همه از فدوی مأیوس شده، پرده حجاب را از میان برداشته و آنچه بزبان ایشان برسد در تکذیب و تخریب فدوی مضایقه نخواهند کرد. از آنچه در حق فدوی خواهند گفت و خواهند نوشت باکی ندارم، اما می ترسم باز هم نسبت بدولت هدیانات بگویند و بنویسند و آنوقت پروبال من بطوری بریده خواهد شد که دسترسی بهیچ جا نخواهم داشت و جواب روزنامه ها را نمی توانم بنویسم. حالا بجز اینکه شرح احوال را اطلاع بدهم، چاره دیگر ندارم. دیگر اختیار با اولیای دولت است. مسیومارتینو محرمانه شنیده است و محرمانه بهمه کس میگوید که در سال آینده بندگان اعلی حضرت همایونی روخنافداه بعزم مسافرت تشریف فرمای فرنگستان خواهند شد و این فقره را از فدوی تحقیق میکنند. بدبختانه در این باب اطلاع ندارم و مجبورم حرفهای مسیومارتینو را تکذیب بکنم، اما در صورتیکه مسافرت همایونی حقیقت داشته باشد آنوقت باز هم فدوی دروغگو و بی اطلاع بقلم خواهد رفت. این است حالت، یعنی بجز خفت و سرشکستگی چیز دیگر از این مأموریت مشاهده نمی شود، بحق خدا مرگ از این زندگانی بهتر است.

عریضه مورخه ۱۰ شهریور شعبان ۱۲۹۷ نمره ۱۵۸ مشتمل یکتغیرا

خداوندگارا تلگرافنامه مورخه ۱۴ همین ماه ژوئیه که باین مضمون شرف صدور یافته بود: (بموجب این تلگرام يك قطعه نشان شیر و خورشید باحمایل و سرحماییل بحضور علیاحضرت ملکه اسپانیه تقدیم نمائید که برای مارکی دلتا و یلد اعطا شود، فرمان همایونی پشت سر خواهد رسید) در ۱۵ همان ماه شرف وصول ارزانی داشت. بمحض وصول تلگرام مزبور، فرستادهام نشان را از پاله رویال آوردند و خودم بعمارت علیاحضرت ملکه رفته تا اینکه شخصاً تبلیغ مأموریت کرده باشم. بدبختانه ملکه درییلاق بودند و مجبوراً بعد از تحصیل اجازه، دوز روز بعد از آن یعنی در ۱۷ این ماه عازم فونتنه شده و نشان مزبور را رسانیدم. ملکه از مضمون تلگرافنامه که از جانب سنی الجوانب بندگان اعلیاحضرت اقدس همایونی روحنافداه رسیده بود، فدوی را مطلع نموده و از این فقره خیلی اظهار خوشحالی و مسرت نمودند ولی در بین صحبت پرسیدند که انشاءالله سه نشان دیگر نیز با فرمان مارکی خواهد رسید، عرض کردم معلوم است مرحمت خواهد شد، فرمودند شما یادآوری بکنید فراموش نشود. محض فرمایش ایشان است که تبلیغ مأموریت کرده و در آن ضمن استدعا میشود که برای این جزئیات دل چنین آدم بزرگواری از خود نرنجانید. استدعای دیگر این است که سایر نشانها را نیز در جزو همین نشانها مرحمت فرمایند و بدین واسطه فدوی را از دست مردم خلاص کنید. تا بحال مکرر قیمت این قبیل نشانها را دادهام و عوض آن از دیوان اعلی بفدوی نرسیده است. نمی دانم تلافی این ضررها و مخارج این همه سفرها کی خواهد شد؟ انصاف نیست که دولت مراعات احوال از ماها نکند و این همه طلب های این سفارت راندهد و البته هر چه داشتم در راه دولت رفت. آن است که يك

رحمی بحالت این فدوی بفرمایند والا چنین افتاده ام و خراب شده ام که اگر چاره نفرمایند حالت فدوی اصلاح پذیر نخواهد شد. در روزنامه له پیه ئی تفصیل ها در باب جشن چهاردهم ژوئیه نوشته اند، خالی از مزه نیست، روزنامه مزبور را با همین پست علیحده فرستاده، بعد از ملاحظه خواهند دید که روزنامه نویس های فرانسه بچه زبان ها از دولت فرانسه و اولیای دولت اینجا بد میگویند و بد مینویسند.

عریضة مورخه ۱۳ شهر شعبان ۱۲۹۷ نمره ۱۵۹ مشتمل یکطرفه

خداوندگارا تلگرافنامه مورخه ۲۱ ماه ژوئیه در همان تاریخ یعنی دیروز شرف وصول بخشید. بمحض وصول حسب الاشاره از مضمون آن بخود مسیو الیون و بجناب مسیو دفرسنه وزیر امور خارجه اطلاع دادم و صریحاً نوشتم از آنجا که مسیو الیون بموجب شرایط قرارنامه عمل نکرده و شرایط آنرا مجری نداشته است، اولیای دولت ابد مدت علیه قرارنامه او را باطل میکنند و کان لم یکن می شمروند. سواد آن دو مراسله را اینک لفاً انفاذ حضور مبارک مینمایم تا معلوم خاطر حضرت اشرف بشود بچه مضمون نوشته شده است. سواد یک مراسله دیگر را که يك سال قبل بر این بنا به اصرار مسیو الیون بجناب مسیو دادنکتون که در آنوقت وزیر امور خارجه بود، نوشته بودم باسواد دو مراسله فوق الذکر ملفوفاً میفرستم و بعد از این هرچه در این باب ظاهر شود باطلاع حضرت اشرف ارفع بندگانعالی خواهم رسانید. اما ظن غالب این است که مسیو الیون که حق ادعا ندارد ساکت خواهد ماند و صدای او بیرون نخواهد آمد. خیلی افسوس دارم که ما را در این مدت دو سال معطل

گذاشت. هرگاه او داخل نشده بود، حالا بتوسط دیگران بساختن راه آهن اقدام شده بود. مسیو داود و مسیو نارژو، مثل الیون رفتار نخواهند کرد و چون پول رهنی خواهند گذاشت، یقین دارم که کار خود را پیش خواهند برد. نشان سووژ را که داده بودم بسازند دیروز آوردند و امروز به وزارت امور خارجه فرستاده شد و بتوسط سفارت فرانسه خواهد رسید، استدعا دارم بعد از رسیدن التفات فرموده قدغن فرمایند که خدمت نواب وجیه الله میرزا با مراتب تمهیت فدوی برسانند.

کتابخانه

عریضه مورخه ۱۴ شهریور قنده الحرام ۱۲۹۷ نمره ۱۶۰ مشتمل یکطرفه

بحضور جناب مستطاب مؤتمن السلطان (مؤتمن الملك) میرزا

سعید خان وزیر امور خارجه دام اقباله العالی

خداوندگارا دو طرفه تلگرافنامه مورخه پانزدهم و شانزدهم ماه اکتبر که بسرافرازی فدوی شرف صدور یافته بود، عزووصول بخشید. از مضامین یکی که مشعر به تشریف آوردن جناب مستطاب بندگانعالی بدربار همایون واستقرارشان برمسند جلیل وزارت خارجه و نایل شدن بعواطف و مراحم ملوکانه بود و دیگری درباب سرکشی اکراد شکاکی و مکرری و طفیان آنها درساوجبلاغ و مراغه و رفتن لشگر برای تنبیه آنها و فرارکردن آنها از مراغه، اطلاع کامل حاصل شد. اگرچه درباب این دو مطلب بموجب تلگراف جواب عرض کرده و تمهیت گفته ام، ولی از آنجا که بر فدویان لازم است که شکر نعمت جدید رابجا بیاوریم، لهذا در نهایت تعجیل و از روی کمال شغف و مسرتی که از این مژده مترتب شده است، مراتب تمهیت و تبریک خود را مجدداً بعرض میرسانم و از درگاه خداوند متعال مسئلت مینمایم که سایه مرحمت جناب مستطاب اجل

اکرم رادیگربار از این دایره دور نبرد و کوتاه ننماید. تلگرافهای مزبور را هر دو را بجناب مسیو بارتلمی سنت هلر وزیر امور خارجه فرانسه نشان دادم و در آن ضمن آنچه لازم بود، در باب حالت و احساسات شخصیه و پولتیکیه و دوستانه و مودت آمیز که جناب مستطاب بندگانعالی نسبت بدول متحابه و همسران و همچنین نسبت بمأمورین خارجه دارند، یکان یکان بایشان بیان نمودم. جناب معزی الیه بعد از ملاحظه تلگرافها و پس از شنیدن تقریر فدوی، اظهار امتنان نموده گفت من هم از شما خواهش مینمایم که مراتب تشکرات مرا خدمت جناب وزیر امور خارجه تبلیغ نمایند و از قول من سلام برسانید و عرض بکنید که از این اظهارات جناب ایشان علی غیرالنهایه محظوظ شدم و انشاءالله منم در ازدیاد روابط دوستی و یگانگی فیما بین دولتین علیتین ایران و فرانسه و استحکام مبانی مودت شخصی حتی المقدور سعی و جاهد خواهم شد و انشاءالله با این حسن نیت هائی که از طرفین مترتب است، مقصود حاصل است. در باب فقره اکراد هم اظهار خوشحالی نموده، گفت، از این خبر که مایه مسرت خاطر است مشعوف شده ام، خوب است که این تلگراف را بدهید در روزنامه ها انتشار بدهند. فدوی نیز صورت تلگرام مزبور را بچند روزنامه داده چاپ زدند. اینک دونسخه از روزنامه های مزبور را لفاً انفاذ میدارم و مستدعی ام بعد از این هر چه در این باب وقوع شود، التفات فرموده بموجب تلگراف اعلام فرمایند تا اینکه در روزنامه ها چاپ و منتشر شود و از بابت رفع شر اکراد آسودگی و قوت قلب حاصل گردد.

۱۴ شهر ذی قعدة ۱۲۹۷

عریضجات مورخه ۲۱ شهریور حجه الحرام ۱۲۹۷ نمره ۱۶۱ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا در چهاردهم ماه گذشته عریضه ای مبنی به تهنیت و تبریک ورود عرض کرده ام و از آنوقت چون منتظر وصول تعلیقات رأفت آیات مع دستور العمل جدید بودم، بهمین جهت از شرف عریضه نگاری محروم مانده ام. حالا معلوم میشود که بجهت فتنه و فساد اکراد، حواس اولیای دولت علیه پریشان بوده است و بهمین واسطه حالتی نداشته اند که بصدور تعلیقات این فدوی را یاد و سرافراز فرمایند. الحق اینگونه سقاوت اکراد حالت ماها را نیز بحدی افسرده کرده بود که مافوق آن غیرمتصور است. روی آنرا نداشتیم که بامردم ملاقات نمائیم، اما لله الحمد از قراریکه خبر میرسد افواج قاهره دست و پای آن گروه ضاله را جمع کرده و انشاءالله عنقریب نایره فتنه و فساد آنها بالکلیه رفع و مفسدین تنبیه شده بسزای اعمال شقاوت آمیز خودشان رسیده و خواهند رسید بعمون الله تعالی .

* * *

از مدت دو سال یعنی بعد از جنگ روس و عثمانی و پس از مصالحه فیما بین آن دو دولت، روزی نگذشته است که پروبال دولت عثمانی را تزنند. در وهله اول یک قسمت بزرگ از تصرفات ممالک آریا از قبیل بندر باطوم و قلعه اردهان و قارص و غیره از دست او بیرون رفته و بتصرف دولت روس در آمده و بعد در خاک اروپا کل بلغارستان و یک قسمت روم و صربستان و افلاک بغداد از او موضوع شده، دول مستقل شدند و بوسنی و [یک کلمه ناخوانا] ملحق بخاک اطریش - هونگری گردیدند و حالا دول اروپا در کارند که آلبانی را از دست او بگیرند و به شاهزاده قرجه داغ تسلیم نمایند. بعد از آن، یعنی بمحض اینکه این بلوک بحیطه تصرف قرجه داغ درآمد، آنوقت

دولت عثمانی را مجبور خواهند کرد که دو ایالت بزرگ ممالک خود را که عبارت از تسالی واسپر بوده باشد بدولت یونان واگذار نماید . اگر چه دولت عثمانی از دادن آلبانی خودداری و اهمال میکند و حتی المقدور کار را بتأخیر و اشکال می‌اندازد که بلکه فرجی از برای او رو بدهد ، ولی از این خودداری و اهمال او چاره مترتب نخواهد شد و باید بالاخره بآنچه در کنگره برلن مقرر شده متابعت نماید . از این حرکت دول چنان استنباط میشود که برخلاف ازمنه ماضیه نمی‌خواهند دیگر از او تقویت نمایند ، سهل است که برای تخریب و تضييع او همه آنها دست بدست داده که او را بالکلیه خانه خراب نمایند و از قراریکه معلوم میشود همین طبر هم خواهد شد . حالا خیال دول معظمه فرنگستان براین مجسم شده است که دولت عثمانی قابل هیچگونه ترتیب نیست و تجربه حاصل شده است که قابل ترتیب هم نخواهد شد و باید او را از اقلیم اروپا بیرون کرد و گویا طولی نکشد که این خیال مجری بشود . اما اخراج دولت عثمانی از اروپا برای دولت علیه صرفه نخواهد داشت زیرا مادامیکه در این اقلیم بود مجالی با او نمی‌دادند که اوقات خود را بعمل آریا مصروف نماید ، اما دستش از این جا کوتاه شد ، معلوم است بصرافت توسیع ممالک خود در آریا خواهد افتاد . اعتقاد مردم پولتیکدان اینجا این است که صدمه او بما هم خواهد رسید و از حالا تکلیف دولت علیه این است که بهمه جهت در تمهیه و تدارک دفع او باشد والا خیلی پر زور است و استعداد زیاد دارد و می‌تواند به بهانه‌جویی صدمه بزرگ بما بزند و بصرافت این افتاده است که در خلیج فارس و در بحرالاحمر کشتی‌ها جنگی راه بیندازد . خلاصه باید از این نوع تدارک و استعداد او حذر کرد . محض اطلاع عرض شد .

چنانکه معلوم خاطر جناب مستطاب بندگانعالی است در همه جای روی زمین قرار است که از برای سلاطین و رؤسای ملت بعد از جلوس آنها بر تخت سلطنت و ریاست ملت از دول دوست و همجوار نشان فرستاده میشود. تا بحال یعنی از روزی که سفارت دولت علیه باقامت دایمی در دربار دولت فرانسه مقرر شده است، همه وقت بسلاطین اینجا از جانب دولت علیه نشان قدرالشأن مرحمت شده است. در مسافرت اول بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده بجناب مارشال مکماهون، تمثال همایون اعطا شد. در سفر ثانی باز هم مارشال مکماهون رئیس جمهوری بود. بعد از چندی معزیه از ریاست استعفا نموده و جناب مسیوکروی بریاست جمهوری سرافراز شد. حالا نزدیک بدو سال است که جناب معزیه باین مقام رسیده و چنانکه از روزنامه هائی که لفاً انفاذ میشود معلوم است از جانب اکثر دول فرنگستان برای ایشان و چند نفر از صاحب منصبان دربار ایشان نشان رسیده و میرسد. چون الله الحمد فیما بین دولتین علیتین ایران و فرانسه نهایت دوستی و مودت است، جای آن است که نشانی از نشانهای مناسب دولت علیه برای مسیوکروی مرحمت شود. درجه نشان آن دو نفر صاحب منصبان بزرگ که استحقاق دارند موافق شأن ایشان خود این فدوی در جزو سیاهه معین و مشخص نموده است و بعلاوه آنها، چند نشان دیگر برای چند نفر استدعا نموده ام؛ از آن جمله نشانهای صاحب منصبهای درباری علیا حضرت ملکه اسپانیه و دو نفر صاحب منصب احتساب و چند نفر روزنامه نویس است و در حق همه اینها حسب الامرااعلی و بموجب تلگراف وعده اعطای نشان شده ولی تا بحال نرسیده است و بهمین جهت میتروسم علیاحضرت ملکه و همه آنها برنچند. روزنامه نویسها همه روزه

خدمت میکنند و مستحق و مستوجب هرگونه عنایات ملوکانه بوده و هستند و هرگاه خدا نخواستہ در حق آنها بی‌اعتنائی بشود و نشانهاییکه بآنها وعده شده است نرسد ، صدمه بزرگی از آنها میرسد . از جانب همه دول اروپ در سال مبالغی پول و نشانهای متعدد برای روزنامه‌نویس‌ها داده میشود و در همه سفارتهایفرامین سفید مهر هست که در وقت لزوم به روزنامه نویسها داده و شرارت آنها باین واسطه مسدود میشود . بدبختانه از جانب دولت علیه چیزی مرحمت نمی‌شود و خدا نخواستہ هرگاه چیزی بدرحق ایران نوشته بشود ماها مورد مؤاخذہ می‌شویم . خلاصه اعطای نشان برای روزنامه نویسها از واجبات است و باید همه ساله برسد . درخیر و ملت خواهی استدعا مینمایم که نشانهای استدعائی را موافق همین صورت اسامی مرحمت فرمایند که از زیر ملامت علیاحضرت ملکه و شر قلم روزنامه نویسها آسودگی حاصل شود .

* * *

چهارده سال است که مقرب الخاقان میرزا احمد خان نایب‌اول این سفارت در این ولایت غربت مشغول انجام خدمات مرجوعه بوده و هست . در این مدت در خدمات دولت بهیچوجه من‌الوجه غفلت و کوتاهی ننموده و شب و روز اوقات خود را بانجام خدمات مصروف نموده و مینماید . بدبختانه در این مدت مدید چنانکه باید و شاید از جانب دولت علیه مورد التفات مخصوص نشده است و حال اینکه موافق رسوم و قواعد دیپلماتیکیه می‌بایستی چند سال پیش از این به منصب مستشاری و نشان سرتیپی نایل و سرافراز شده باشد و این دو چیز حق اوست و بعد از آنکه بانصاف و حق شناسی جناب مستطاب بندگانهالی رجوع میشود یقین و مثل این است که این امتیاز باو رسیده و تلافی مافات و احقاق حق درباره او شده است

و انشاءالله فرمان این دو فقره عنقریب بسرافرازی میرزا احمدخان خواهد رسید . اما عمده مقصود از عرض این احوال این است که مقرری مشارالیه خیلی کم است و باین همه خرج و مخارج اینجا موجب او کفایت مخارج او را نمی‌کند و بهمین سبب مجبوراً آلوده میشود و بسیار بد باو میگردد . در این صورت استدعایمکنم که مدد خرجی چنانکه سابقاً بهمه صاحب منصبها داده میشد ، باو نیز مرحمت که اقلاً بتواند از عهده مخارج گزاف اینجا برآید . امیدوارم که استدعای فدوی قبول و این مرحمت‌ها در حق چنین صاحب منصب صادق بزودی مبذول خواهد شد و یقین بدانند که هرچه درباره او مرحمت شود مثل این است که در حق این فدوی مبذول شده باشد .

۲۱ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۷

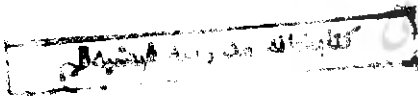
عریفة مورخه ۱۲ شهر صفر ۱۲۹۸ نمره ۱۶۲ مشتمل يك طرفرا

خداوندگارا دو طرفرا تعلیقه رفیعه مورخه ۱۹ شهر ذی حجه - الحرام که در جواب عرایضی که در چهاردهم ذی قعدة معروض داشته بودم شرف صدور یافته بود ، عز وصول بخشید و از مضامین التفات‌آمیز آنها نهایت سرافرازی و افتخار حاصل شد . تلگرافنامه رمزی نیز در هفته گذشته زیارت شد . چنانکه بموجب تلگرام مزبور به این فدوی مأموریت داده بودند بمجرد وصول آن رفته جناب بارتلمی‌سنت‌هلر وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و مراتب طغیان و فتنه و فساد اکراد و خسارتی که بساوجبلاغ و دهات آنجا وارد می‌رسانیده‌اند و همچنین تفصیل لشگرکشی برای تنبیه و تادیب آنها که از جانب دولت ابد مدت علیه ایران ترتیب شده بود ، یکان یکان خاطر نشان ایشان و برحسب مأموریت از معزی‌الیه خواهش

نمودم که بسفیر کبیر دولت بمیه فرانسه مقیم اسلامبول ماموریت بدهند که لازمه تقویت را نسبت بجناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه بکنند تا اینکه جناب معزی الیه در اجرای حقوق دولت متبوعه خود کمال قوت را داشته بتواند کاملاً از عهده ماموریت خود برآید. جناب معزی الیه این خواهش را قبول کرده و گفت چشم با کمال منت بروفق رضای خاطر دولت علیه در این ماده همراهی خواهد شد. اما از شما خواهش دارم که در این باب یادداشتی بمن بفرستید که بتوانم از روی یادداشت جناب شما دستور العمل لازمه را بسفیر کبیر خودمان بدهم. در همان روز از روی تلگرافنامه جناب مستطاب بندگان عالی شرحی بزبان فرانسه یادداشت نموده، برای ایشان فرستادم. دو روز بعد از آن که روز اول سال فرنگی بود و بجهت تهنیت عید بدیدار جناب مسیو کروی رئیس جمهوری با صاحب منصبان این سفارت و با سایر مأمورین خارجه رفته بودیم، جناب معزی الیه را در آنجا ملاقات نموده مطالبه جواب نمودم. گفتند تلگراف باسلامبول فرستاده ایم. سؤال و جواب را تحریراً بشما میرسانم. دو سه روز از این کیفیت گذشت و جواب نرسید. لابد دوباره خودم بوزارت امور خارجه رفته، مجدداً وزیر را ملاقات نمودم، گفت جواب را حاضر کرده ام و در این روزها بشما خواهد رسید. همینقدر بشما میگویم که بعد از اقدامات، اولیای دولت عثمانی اظهار عجز میکنند و از قراریکه جواب گفته اند معلوم میشود که قدرت آن را ندارند که بمقام تأدیب اکراد برآیند. گفتم اینها بهانه است. چگونه میشود که دولت عثمانی با آن قوت و قدرتی که دارد از عهده اکراد تبعه خود نتواند برآید؟ هرگاه چنین حرف را میزند خیال تأدیب را ندارد والا بیک اشاره جزئی می تواند حقوق خود را در حق آنها جاری نماید. از این قبیل

بیانات و آنچه بعقل قاصر میرسید برای ایشان بیان و مجدداً خواهش کردم که دوباره بسفیر خودشان تأکید نمایند که بقوت تمام سفیر ما را تقویت بکند و در صورتیکه به جد در سر این ماده ایستادگی شود ، دولت عثمانی تکلیف خود را که عبارت است از تسلیم رؤسای اکراد بدولت علیه ایران و یا اینکه ابعاد و یا حبس آنها در داخله ممالک عثمانیه بعمل خواهد آورد . جناب بارتلمی سنت هلر وعده کرد که مجدداً در این باب بسفیر کبیر دولت جمهوری فرانسه مقیم اسلامبول دستورالعمل بدهد و در آن بین زیاد از حد مراتب دوستی و مودت دولت فرانسه را نسبت بدولت علیه مکرر اظهار نموده گفت یقین بدانید که حتی المقدور لازمه اهتمام ر این باب بعمل خواهد آمد . دو روز بعد از آن از جانب ایشان مراسله رسید و از مضمون آن معلوم شد که مقصود دولت عثمانی این بوده است که مطالبی [یک کلمه ناخوانا] از پیش بر خود حتم کرده بوده است که از آن خیال تجاوز نکنند و از حرفهای آن دولت بوی امید بر نمی آید که با وجود اهتمامات دوستانه دولت فرانسه خواهش دولت علیه ایران را قبول و مجری بدارد . برای مزید اطلاع سواد مراسله مسیوسنت هلر و سواد یادداشت خودم که بایشان فرستاده بودم و همچنین سواد تلگرامی را که در جواب تلگرافنامه جناب مستطاب عرض کرده ام ، اینک در جوف همین عریضه انفاذ حضور مبارک مینمایم و چنانکه بموجب تلگراف عرض شده است ، باز هم عرض میکنم که وساطت دولت آلمان از همه اینها مقدم است . قدرت آن دولت و اقتدار او در همه جا و بخصوص در اسلامبول بدرجه کمال است و هرگاه دولت آلمان جدی بدولت عثمانی در این باب گفتگو نماید ، یقین و بلاشبه از جانب دولت عثمانی در اجرای حقوق دولت علیه ایران تردیدی باقی نخواهد ماند و رضای خاطر دولت علیه ایران را بعمل خواهد

آورد ، اما بدبختانه مأموری در برلن نداریم و موقع هم از دست میگذرد و فوت میشود ، اما خدا کریم و اعتقاد این است که هرگاه از این دولتها در اصلاح این عمل و اجرای حقوق دولت علیه کاری ساخته و نتیجه مترتب نشود خداوند عالم که بهترین چاره ساز و اولی ترین مسبب الاسباب است از پرده غیب اسبابی خواهد چید که دولت عثمانی از این حالتی که نسبت بدولت علیه مینماید خیر و منفعت نبرد . علی الحساب یکی از آن اسبابها این مسئله یونان میباشد و اگر چه ظاهراً رأی دول متحابه فرنگستان بر این است که این مسئله باصلاح حل شود ولی از حالت حالیه دو دولت عثمانی و دولت یونان و از کدورتی که این دو دولت بیکدیگر دارند ، معلوم میشود که میانه آنها اصلاح پذیر نیست و نخواهد شد و بخواست خدا عنقریب بهم خواهند زد و انشاءالله در صورتیکه این حدس فدوی بحقیقت انجامید آنوقت دولت علیه می تواند تلافی اینهمه بی وفائی دولت عثمانی را بکند . اما شرط اول این کار این است که از حالا دولت علیه در فکر تهیه و تدارك اسلحه باشد ، زیرا که آنچه الان هست کم است و در وقت لزوم کافی نیست . در این ایام رشادت شخص بکار نمی خورد بلکه زیادی لشکر و برتری اسلحه و نظم و انتظام پیاده و سواره نظام و صاحب منصب توپخانه وغیره کار را در جنگ از پیش می برد .



عریضه مورخه ۲۵ شهر صفر ۱۲۹۸ نمره ۱۶۳ مشتمل يك ظفرا

خداوندگارا چند روز قبل بر این زوجه مرحوم جان داودخان نزد فدوی آمده از حالت پریشانی که دارد اظهار دلتنگی میکرد و باین سفارت خانه متوسل شده خواهش کرد که حالت پریشانی او را بعرض اولیای دولت برسانم و نظر بخدمات مرحوم جان -

داودخان يك مستمری برای او استدعا نمایم . حال این ضعیفه خیلی افسرده است و بحدی پریشان است که مافوق آن غیر متصور است . خلاصه استحقاق آنرا دارد که مرحمتی در حق او بشود . دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است . از قراریکه مادام جان داود مذکور داشت گویا کنت زالوسکی وزیر مختار اطریش هونگری در حضور باهرالنور اقدس همایونی روحنا فداه و در حضور جناب مستطاب بندگانعالی در حق او وساطت نموده و وساطت جناب مشارالیه بموقع اجابت رسیده است و حالا بهمین جهت و محض یادآوری مجدداً بمقام جسارت برآمده است . بتاریخ ۲۵ شهر صفر ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۶ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸ نمره ۱۶۴ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا در مسافرت ثانی موبک همایونی بفرنگستان و در هنگام عبور از پاریس محض احترام این سفر ، از دستگاه ریاست جمهوری بموجب نوشته ، بمبادله چند قطعه نشان فیما بین دولتین علیتین ایران و فرانسه تکلیف باین فدوی شد . همان نوشته را بنظر جناب اشرف سپهسالار اعظم رسانیدم . فرمودند خیلی خوب است ، جواب بنویسید و اسامی حضرات مستطاب اشرف والاظلال السلطان و جناب معین الملک و نواب وجیهاله میرزا و مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان و اسم خود شما را در يك سیاهه مندرج نمایند که برای هر يك موافق شأن نشان لژیون دونور بدهند و از دستگاه ریاست بموجب نوشته ، اسامی اشخاصی را که میخواهند از جانب دولت علیه در حق آنها نشان مرحمت شود مطالبه بکنید . فدوی نیز چنانکه مقرر شده بود بموجب دستورالعمل رفتار نمود ، ولی در عوض پنج نشان از جانب دولت فرانسه ، سه نشان داده شد و نشان نواب وجیهالیه میرزا و این فدوی داده

نشد. بعد از سؤال و جواب گفتند نواب معزی‌الیه خدمتی بدولت فرانسه نکرده است و نشان شما هم در موقع خود خواهد رسید. بعد نشان وجیه‌الیه میرزا را جناب مسیو تریکو مطالبه کرد و گرفت و بعد از اعطای نشان نواب معزی‌الیه، نشان فدوی را بصرافت طبع خودشان در همین روزها از وزارت خارجه اینجا دادند. نشانی که حالا رسیده از درجه دویم لژیون دونور است. محض اطلاع خاطر جناب مستطاب اجل بندگانعالی عرض شد.

* * *

دولت یونان بجد و جهد اوقات خود را مشغول ابتیاع اسلحه کرده است. از قراریکه جناب وزیر مختار آن دولت مقیم پاریس اظهار میداشت، معلوم میشود که در مدت این دو ماه معادل مبلغ هشت کرور تومان برای او وجه نقد رسیده است که توپ کروپ و تفنگک شاسپو و فشنگک و اسباب قورخانه و جبه‌خانه ابتیاع نماید و تا بحال مبالغ خطیری از این اسبابها را فرمایش داده، ابتیاع نموده و می‌نماید. اما در این روزها در باب تفنگک شاسپو کار او لنگک کرده است، باین معنی که با توسط یک نفر ثالث هفتاد و نه هزار قبضه تفنگک شاسپو با چند میلیون فشنگک از دولت فرانسه خریداری شده بود و در کار بودند جسته جسته و فشنگک را حمل و نقل میکردند. اما از قراریکه معلوم میشود این معامله دولت فرانسه با دولت یونان اگرچه بتوسط ثالث گذشته بود در نظر دول خارجه غیر پسندیده آمده و گویا دولت فرانسه را باین فقره ملتفت کرده بودند که چرا باید بدولت یونان در این گیر و دار اسلحه بفروشد؟ دولت فرانسه نیز که بهیچوجه نمی‌خواهد همسایه‌های خود را از خود برنجانند آن مرد ثالث را از فروش اسلحه منع کرده نمی‌گذارد این معامله را که در بدو احوال خودش تصدیق کرده

بود ، بانجام برسانند. حالا باین واسطه بآن مرد ثالث مبالغ خطیری خسارت رسیده و میرسد و هیچ معلوم نیست کدام از این دو دولت فرانسه و یونان باید از عهده خسارت آن مرد ثالث برآید. البته موافق قاعده بر عهده دولت فرانسه است و فرض اوست که از عهده خسارتهای آن بیچاره شخص ثالث برآید. این تفنگهای شاسپو از همان تفنگهاییست که دولت آلمان در آن جنگ سنه ۱۲۸۷ از فرانسه گرفته بود. هر قبضه را به بیست و چهار فرانک خریده است و حالا بشانزده فرانک بدولت یونان میخواست بفروشد. دولت علیه نیز گویا از این تفنگها از دولت آلمان اکتیاع نموده بود ، اما در آنوقت گویا گرانتر از بیست و چهار فرانک بوده و بعد چون خریدار پیدا نمیشود قیمت آنها تنزل کرده بود ، محض اطلاع عرض شد .

۶ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۹ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸ نمره ۱۶۵ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا دو طغرا تعلیقۀ رفیعۀ مورخه ۲۳ ماه ژانویه که بزبان فرانسه و در باب مبادله نشان با دربار حضرت پاپ و با دولت اسپانیول شرف صدور یافته بود ، عز وصول بخشید. چنانکه امر و مقرر شده بود بعد از زیارت آنها اولاً رفته جناب سفیر کبیر حضرت پاپ را ملاقات نموده و تفصیل احوال را حالی و تعلیقۀ جناب مستطاب بندگانعالی رانیز برای ایشان قرائت کردم . بعد از شنیدن این بیانات و پس از قدری تأمل گفت : اگرچه اجرای این تکلیف بر عهده جناب مونسفور کلوزل ارشوک است و بمن و بجناب شما مدخلیتی ندارد ، ولی از آنجا که انجام این مأموریت بشما رجوع شده است و جناب شما بمن محول مینمائید محض

خاطر شما و رضای خاطر اولیای دولت علیه ایران تفصیل احوال را بعرض دربار حضرت پاپ میرسانم و اعطای نشانها را مستدعی میشوم بشرط اینکه اولاً سواد این مراسم را با اسامی برای من بفرستید و ثانیاً کاری کنید که از وزارت جلیله بمونسیور کلوزل اشاره بشود که ایشان نیز این فقره را به روم بنویسد و نشانها را تصدیق نمایند. فدوی نیز همان طوری که سفیر کبیر پاپ اظهار داشت، سواد تعلیقه جناب مستطاب بندگانعالی را با صورت اسامی برای ایشان فرستادم و بجناب مونسیور کلوزل تفصیل احوال را نوشتم و تاکید کردم که بزودی تصدیق خود را بدربار حضرت پاپ بفرستد. اگرچه یقین دارم بر وفق رضای خاطر فدوی رفتار خواهد کرد، ولی هرگاه صلاح بدانند بآن کشیشهای آنجا نیز که گماشته مونسیور کلوزل اند، در آن باب اشاره بشود خیلی بجا خواهد بود و کار را خیلی پیش خواهد انداخت. اینکه تصدیق مونسیور لازم است بواسطه این است که جناب ایشان مأمور پاپ می باشند والا در صورتیکه ایشان این ماموریت را در ایران نمی داشتند، احتیاج بتصدیق ایشان نمی شد. اسامی مقرر را برای سفیر کبیر پاپ از قرار تفصیل ذیل نوشته فرستادم.

۱- مقرب الخاقان محمدتقی خان مستشارالوزراء - از درجه دویم ستاده دار.

۲- مقرب الخاقان میرزا عبدالله خان مستشارالوزراء - از درجه دویم ستاره دار.

۳- مقرب الخاقان میرزا احمدخان نایب اول این سفارت - از درجه دویم ستاره دار.

۴- بارون نورمان - از درجه سیم.

چنانکه بموجب تعلیقه اشاره شده بود در عوض این نشانها

بجناب سفیر کبیر حضرت پاپ از جانب دولت علیه نشان شیرو - خورشید وعده کرده ام که بمحض قبول مبادله شود و ثانیاً یعنی بعد از ملاقات باجناب سفیر کبیر حضرت پاپ رفته جناب ایشیک آقاسی باشی علیاحضرت ملکه اسپانیول را دیدم و از ایشان نیز چهارقطعه نشان بدین تفصیل تمنا نمودم .

۱- برای مقرب الخاقان محمد تقی خان از درجه دویم ستاره دار
 ۲- برای مقرب الخاقان میرزا احمد خان نایب اول این سفارت از درجه دویم ستاره دار .

۳- برای مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا شکرالله نامه نگار نشان کماندور که از گردن می آویزند .

۴- برای بارون نورمان - ایضاً کماندور جناب ایشیک آقاسی باشی این تکلیف را قبول کرد و گفت باید قدری تأمل بکنید تا سفیر کبیر جدید ما برسد . رسم است امورات بتوسط سفارت میگردد و تا سفیر اینگونه تکالیف و سایر مطالب را که دایر بامور خارجه است ، تصدیق نکند مجری نمی شود . اما همینکه سفیر ما وارد پاریس شد ، علیاحضرت ملکه در اعطای این نشانها فرمایشات لازمه را بایشان خواهند فرمود والبته این نشانها مرحمت خواهد شد . از حالا بنویسید فرامین را از طهران زود بفرستند و قید بکنید که در مقابل این چهار فرمان شش فرمان اعطا شود ، زیرا که درجه نشانهای که ما خواهیم خواست از درجه نشانهای که شما میخواهید پست تر خواهد شد ، باین معنی که ما دو قطعه از درجه چهارم و دو قطعه از درجه پنجم و دو قطعه از درجه سیم خواهیم خواست . فرامین را می توانند از حالا بفرستند ، همه جاها را پرکنند فقط جای اسم سفید باشد . حالا بنا بتکلیف

جناب معزی‌الیه استدعا دارم این شش فرمان را که برای مبادله نشان با دولت اسپانیه است و پنج قطعه فرمان دیگر که برای مبادله نشان با دولت حضرت پاپ است مرحمت فرموده باولین وسیله صادر و قدغن فرمایند زود بفرستند که اسباب معطلی حاصل نشود. در باب آن چهار نشانی که بتاريخ ۲۱ ذی حجه برای جناب ایشیک - آقاسی باشی و سه نفر دیگر از عملجات دربار علیاحضرت ملکه اسپانیول استدعا کرده بودم و اعطای آنها بموجب تعلیقه مورخه پنجم صفر اعلام شده است لازم میدانم عرض بکنم که این چهار نشان دو سال قبل براین وعده شده بود اعطا شود، یعنی در وقتیکه ملکه اسپانیول يك فبضه شمشیر بسیار اعلا و خیلی ممتاز که دسته و غلاف آن مکمل بالماس بود، تمام کرده و برسم هدیه فرستاده که پیشکش حضور مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده بشود. بمحض وصول آن از وزارت جلیله امور خارجه بموجب تعلیقه باین سفارت مکرر اعلام شد که نشانهای استدعائی حسب الامر الاعلی مرحمت شد و عنقریب انفاذ خواهد شد. ولی مدتی گذشت، نشانهای مزبور نرسید. آنوقت ملکه بحضور مبارک همایونی تلگراف زد. جواب رسید نشانها مرحمت شده و فرامین بزودی خواهد رسید. با وصف این احوال و باوصف انتظار منکه که منتظر بود که در مقابل آن شمشیر، از جانب سنی الجوانب شاهنشاهی هدیه‌ای برای او خواهد رسید، تا بحال دراین باب آثاری ظاهر نشده سهل است که فرمانها هم نمی‌رسید. حالا هم که به جناب ایشیک آقاسی باشی مژده صدور آن چهار فرمان را میدادم، حالت خود را بطوری مینمود مثل اینکه بحرف فدوی باور ندارد. انشاءالله بعد از رسیدن فرامین از این تردید بیرون خواهد آمد و معلوم خواهد

کرد که حالا آنچه با او گفتگو کرده و میکنم جدی است و هوایی نیست.

* * *

از قراریکه شنیدم و از مضمون این دو تعلیقه که بخط فرانسه مرقوم بود استنباط کردم معلوم شد که برخلاف قرارداد ازمنه ماضیه از جانب حضرت پاپ نشان برای جناب اشرف سپهسالار اعظم اعطا شده است. بمحض اطلاع و همینکه دیدم که قانون قدیم برهم خورده است این موقع را مفتنم شمرده جناب سفیرکبیر پاپ را ملتفت کردم که در مقابل حمایت و تقویت هائی که همه اوقات جناب مستطاب بندگانعالی درباره مسیحیان مرعی داشته و میدارند لازم می آید که از جانب حضرت پاپ نشانی بجناب مستطاب بندگانعالی مرحمت شود و چون نشان پاپ شأن بزرگ دارد و خیلی کم داده میشود، امیدوارم از تحصیل آن خاطر عالی قرین مسرت و رضایت بشود. اینکه اسم مقرب الخاقان میرزا احمدخان نایب اول این سفارت را نیز در سیاهه نوشته ام دلیل آن این است که در وقت مأموریت فدوی بدربار حضرت پاپ مشارالیه همراه بود. چون در آنوقت بخارج از مذهب مسیحی نشان نمی دادند یاو هم نشان ندادند. حالا که این مانع از میان برداشته شده و این موقع بدست آمده است لازم دیدم که مشارالیه نیز در زیر سایه عواطف و مراحم جناب مستطاب بندگانعالی از این معامله تمتعی ببرد و از این مبادله بهره مند بشود. امیدوارم که این اقدامات فدوی مقبول خاطر و محل تصدیق جناب مستطاب بندگانعالی خواهد افتاد.

۹ شهر بیع الثانی ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۱۴ شهر جمادی الاول ۱۲۹۸ نمره ۱۶۶ مشتمل بر دو طغرا خداوندگارا تعلیقۀ رفیعۀ مورخه ۲۴ شهر ربیع الاول که در جواب عرایض ۱۲ صفر شرف صدور یافته بود در بیستم این ماه عز و وصول بخشید. چنانکه ضمناً در خصوص مسئله شیخ ملعون عبدالله و اکراد قتال و هتاک تابعه او و از حالت شرارت و اقدامات مفسدانه آنها اشاره شده بود موافق تعلیمات جناب مستطاب بندگانعالی جناب مسیو بارتلمی سنت هلر وزیر امور خارجه را ملاقات نموده تفصیل احوالات را بمعزیه الیه تقریر و پس از آنکه از اقدامات سابقه تشکرات لازمه را بعمل آوردم از ایشان تمنا نمودم که برای تکمیل آن اقدامات حسنه سابقه تعلیمات مجددی بسفیر کبیر خودشان مقیم اسلامبول ارسال دارند که موافق مضمون تعلیقۀ رفیعۀ که از بدو الی الختم برای ایشان بیان نمودم تا هر درجه که مقدور است لازمه موافقت و همراهی را باجناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران منظور داشته مساعی جمیله خود را در این باب بکار ببرند که بلکه از برکت اهتمامات و اتفاقات آن دو سفیر کبیر قطع و رفع این همه فتنه و فساد بشود. در ضمن این بیانات گفتم که این مسئله اکراد تقریباً بمثل مسئله حالیه عشایر حدود تونس است. در صورتیکه دولت عثمانی مثل تونس از جلوگیری و تنبیه عشایر مزبور عجز و اعتذار دارد. دولت علیه ایران مانند اینکه دولت فرانسه در سرحد تونس در اقداماتیکه در نظر دارد خود را مختار میداند، اختیار تنبیه و تادیب شیخ شرور و اتباع او را داشته باشد؛ باین معنی که هرگاه اکراد مزبور

مجدداً در خاک دولت علیه ایران مصدّر شرارت بشوند، بآنها چه در خاک ایران و چه در خاک عثمانیه در صورتیکه اقتضا نماید گوشمال کافی بدهد. همینکه این بیانات را شنید تبسم کرد. گفت درباب این فقره جواب نمی‌توانم بگویم ولی وعده میکنم که همین حالا بسفیر کبیر خودمان تعلیمات جدیده بموجب تلگرام بدهم تا اینکه باقتضای اقدامات حسنه بهر درجه که ممکن است مجدداً لازمه موافقت و همراهی را با جناب سفیر کبیر دولت علیه ایران منظور داشته، سعی و اهتمامات خود را در تحصیل به نیت دولت ایران بعمل آورد. گفتم اذن میدهد که نتیجه این گفتگو را بموجب تلگراف بعرض اولیای دولت علیه برسانم. گفت البته تلگراف کنید منم الان باسلامبول تلگراف میکنم. همینکه از آنجا بیرون آمدم در نهم این ماه باینمضمون تلگراف کردم: (تعلیقہ ۲۴ ربیع‌الاول دیروز رسید. اقدامات لازمه به عمل آمد. از جانب وزارت خارجه دستورالعمل مجدد بمعهد سفیر کبیر دولت فرانسه بموجب تلگراف فرستاده شد که بجناب معین‌الملک تقویت نماید. مرحمت کرده بمعزّی‌الیه اطلاع بدهید) چون رمزی فیما بین این سفارت و سفارت کبری نیست، بهمین جهت مقدور نشد با تلگراف بجناب معین‌الملک از نتیجه این گفتگو اطلاع داده شود. اما همین حالا سواد این عریضه را خدمت جناب معزّی‌الیه میفرستم. درباب مسئله تونیس از آنجاکه اطلاع اولیای دولت علیه لازم بود، شرحی را که چند روز قبل براین در روزنامه فیگارو نوشته بودند، از روزنامه مزبور قیچی نموده و لفاً انفاذ میدارم. علی‌الحساب دولت

فرانسه در تمهیه فرستادن لشگر است. دولت ایتالیا از این لشگرکشی دولت فرانسه، ناراضی است و چون در تصرف تونس از قدیم خیالها دارد تا رضامندی خود را ظاهر کرده و میکند. دولت انگلیس هم باطناً باین معنی راضی نیست، اما سایر دول سکوت دارند و بدولت فرانسه در تأدیب عشایر حق میدهند. اگر دولت فرانسه بعد از تنبیه کرومیرها، دوباره بخاک خود معاودت نماید گویا احدی ایراد با او نگیرد، ولی در صورتیکه خیال تصرف ممالک تونس را داشته و بخواهد لنگر اقامت را در آنجا نصب کند، احتمال دارد و بلکه یقین است که سایر دول اروپا بخصوصه دولت ایتالیا و دولت انگلیس بمقام منع برخیزند و هرگاه کار باینجاها بکشد هنگامه و اغتشاش کلی برپا خواهد شد. تا خداوند متعال چه مقدر کرده باشد. مسئله یونان هنوز هم يك طرفی نشده است. دولت عثمانی تسالی با چند شهر از ایالت اسپر را در همین روزها اقرار کرده است تسلیم او نماید. مامورین دول اروپا تکلیف او را بدولت یونان تبلیغ نموده اند ولی از جانب دولت یونان تکلیف دولت عثمانی را قبول نخواهد کرد. هرچه در این باب بعد از این واقع شود، بعرض میرسانم.

* * *

بعد از اگسپوزیسیون سنه ۱۸۷۸ بنا بود يك مدال طلا از جانب دولت بهیه فرانسه بخاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه تقدیم شود. از آنوقت تا بحال مدال مزبور باتمام نرسیده بود. از بسکه مذاکره آنرا میکردیم بالاخره

در این روزها دادند. چون چند قطعه‌ای است و بقدر شصت و هفتاد تومان وزن طلا دارد و فرستادن آن با پست غیر مقدور است، لهذا مصحوب مقرب‌الحضرت میرزا احمد عکاس باشی که انشاءالله عنقریب از تحصیل و تکمیل عمل خود فارغ و بمحض فراغت عازم ایران خواهد شد میفرستم که در راه عیب نکند. يك مدال دیگر هم هست که از مس است آنهم برای تقدیم به خاکپای مبارک داده شده است، آنرا نیز بهمین وسیله میرسانم. انشاءالله.

۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۹۸

